فعالان سیاسی در یادداشت‌هایی به «ایران» نکات کلیدی پیام رهبر انقلاب به سازمان بسیج را بررسی کردند

نقشه راه تحول بسیج؛ از بازآفرینی مأموریت تا پاسداشت اتحاد ملی

گزارش

گروه سیاسی



فرمان بنیانگذار انقلاب اسلامی برای تشکیل بسیج در ۵ آذر ۱۳۵۸ با بیان این جمله ماندگار که «کشوری که ۲۰ میلیون جوان دارد، باید ۲۰ میلیون ارتش داشته باشد» تدبیر امام خمینی (ره) برای پاسخ به ضرورت‌ها و نیاز کشور به حضور سازمان‌یافته مردم برای دفاع از استقلال، حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با تهدیدهایی بود که در همان نخستین سال از عمر انقلاب امنیت و تمامیت ارضی ایران را نشانه گرفته بودند. در عمل هم هنگامی که نخستین جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد اهمیت این نهاد به عنوان تشکلی مردمی که همه ایرانیان را برای دفاع از ایران گرد هم آورد و ایثار و مسئولیت‌پذیری را به سرمایه‌ای ماندگار برای کشور تبدیل کرد، مشخص شد.

با چنین پیشینه‌ای پیام اخیر رهبر انقلاب به مناسبت هفته بسیج و در چهل و هفتمین سال صدور آن فرمان تاریخی که در متن آن نقشه راه تحول بسیج تبیین شده بود و بر ضرورت نگاهی تازه به بسیج و ترسیم افقی جدیدی برای فعالیت این نهاد تأکید داشت، دارای اهمیتی بسیار ویژه بود. این پیام برای بازآرایی بسیج و حرکت به سوی تحقق شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» در شرایطی صادر شده است که در پی وقوع دو جنگ تحمیلی اخیر، کشور با تهدیدهای خارجی، فشارهای اقتصادی و تلاش برای تضعیف اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی مواجه است و به همین دلیل بازخوانی فلسفه شکل‌گیری بسیج و انطباق مأموریت‌های آن با نیازهای جامعه، ضرورتی راهبردی به شمار می‌رود.

در این میان، تأکید بر پاسداشت «انسجام اجتماعی» و «اتحاد مقدس ملت ایران» به مثابه صفت مشترک بسیجیان، فرازی از پیام رهبر انقلاب اسلامی است که اهمیتی ویژه دارد. اینها دو توصیه کلیدی و راهبردی هستند که به دفعات از سوی ایشان مطرح شده‌اند. تکرار این تأکید، نشان می‌دهد که حفظ اتحاد، صرفاً یک شعار مناسبتی نیست، بلکه مسئولیتی مستمر و همگانی است و تحقق آن می‌تواند از مراعات صفاتی همچون احترام به مردم، پاسداشت تفاوت دیدگاه‌ها و جلوگیری از تبدیل اختلافات سیاسی به خصومت و تفرقه در رفتار بسیجیان و همه دیگر نقش‌آفرینان سیاسی و اجتماعی آغاز شود. فعالان سیاسی نیز در یادداشت‌هایی به «ایران» از همین منظر، ضرورت بازتعریف نقش بسیج در شرایط امروز و تبدیل توصیه رهبری درباره انسجام و اتحاد ملی به رفتاری عملی و پایدار را بررسی کرده‌اند.

مبتنی بر پیام رهبر انقلاب مأموریت امروز بسیج فراتر از دفاع نظامی و در گرو تقویت همبستگی ملی و مقابله با شکاف‌های اجتماعی است

همبستگی ملی ضرورتی فراتر از جناح بندی های سیاسی



محمد نعیمی‌پور
فعال سیاسی و نماینده سابق مجلس

همبستگی ملی و همراهی مردم، به‌ویژه در شرایط مواجهه با تهدیدهای خارجی، مسأله‌ای بسیار مهم و راهبردی است. طی یکی دو سال اخیر، بارها بر ضرورت وحدت، همدلی و انسجام اجتماعی تأکید شده است؛ ضرورتی که می‌تواند کشور را از بحران‌ها عبور دهد، فشارهای دشمن را کاهش دهد و حتی تهدیدها را به فرصتی برای تقویت اقتدار ملی تبدیل کند. اما برای درک اهمیت این موضوع، باید نگاهی به ریشه‌های اختلاف و بی‌اعتمادی در چند دهه گذشته داشته باشیم. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در شرایطی رخ داد که ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی وابستگی گسترده‌ای به آمریکا داشت. این تحول برای قدرت‌های جهانی و حتی بخشی از جریان‌های غرب‌باور داخلی که استقلال کشور بدون حمایت غرب را ناممکن می‌دانستند، غیرقابل تصور بود. از همان زمان، تقابلی گسترده علیه جمهوری اسلامی آغاز شد که طی نزدیک به پنج دهه، علاوه بر اقدامات نظامی، تروریستی، کودتا و جنگ تحمیلی، تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به توانایی‌ها و مسئولان کشور را نیز دنبال کرده است. در کنار فشارهای خارجی، متأسفانه اختلافات داخلی نیز به‌تدریج گسترش یافت. رقابت‌های سیاسی در مواردی از مسیر نقد و رقابت سازنده خارج شد و به تلاش برای حذف و تخریب رقیب تبدیل گردید. به‌خصوص در آستانه انتخابات، برخی جریان‌ها بقای سیاسی خود را در بی‌اعتبار کردن طرف مقابل جست‌وجو کردند. تداوم این روند موجب شد حساسیت نسبت به نقش‌آفرینی دشمنان خارجی و سرویس‌های اطلاعاتی آنها در شکاف‌های داخلی کاهش یابد و گاهی حتی هشدار درباره این مداخلات نیز به رقابت سیاسی نسبت داده شود. این وضعیت به‌تدریج زمینه‌ای فراهم کرد که دشمنان خارجی، از جمله اسرائیل، تصور کنند فشارهای اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و اختلافات سیاسی به اندازه‌ای افزایش یافته که با آغاز جنگ، مردم نیز در جهت تضعیف حکومت حرکت خواهند کرد. اما جنگ تحمیلی دوم نشان داد این محاسبه تا چه اندازه با واقعیت جامعه ایران فاصله داشت. مردم، فارغ از اختلافات سیاسی، در برابر تهدید علیه ایران و تمامیت ارضی کشور، انسجام و همراهی قابل توجهی از خود نشان دادند. این تجربه ثابت کرد که همبستگی ملی الزاماً به معنای یکسان بودن دیدگاه‌های سیاسی نیست، بلکه تعلق به ایران و دفاع از منافع بنیادین کشور می‌تواند فراتر از اختلافات قرار گیرد. با این حال، هنوز رفتارهایی در فضای سیاسی کشور مشاهده می‌شود که عملاً در جهت تضعیف همین انسجام حرکت می‌کنند. برخی افراد و جریان‌ها حتی در میان اجتماعات مردمی نیز به دنبال بازتولید شکاف‌های سیاسی هستند. تخریب رئیس‌جمهوری و زیر سؤال بردن عملکرد دولت، صرفاً با هدف تضعیف موقعیت سیاسی آن در انتخابات آینده، نمونه‌ای از این رفتارهاست. نقد دولت حق جریان‌های سیاسی است، اما تبدیل نقد به پروژه‌ای برای بی‌اعتبارسازی و تخریب اعتماد عمومی، آن هم در شرایط حساس کشور، با منافع ملی سازگار نیست.

تأکید مستمر رهبر انقلاب اسلامی بر ضرورت وحدت و انسجام و مشخصاً توصیه‌ای که در پیام خود به مناسبت هفته بسیج داشتند، یادآور ضرورت صیانت از سرمایه همبستگی ملی و پرهیز از رفتارهایی است که این پیوند ارزشمند را تضعیف می‌کند. همبستگی ملی نباید به شعاری مقطعی تبدیل شود؛ بلکه باید در رفتار سیاسی، رسانه‌ای و اجرایی همه جریان‌ها نمود پیدا کند. کسانی که منافع باندی و انتخاباتی را بر منافع ملی مقدم می‌دانند، عملاً به سرمایه اجتماعی کشور آسیب می‌زنند. از سوی دیگر، پایداری این انسجام به بازسازی اعتماد متقابل مردم و دولت وابسته است. نمی‌توان از مردم انتظار همراهی داشت، اما نسبت به مشکلات معیشتی و اقتصادی آنها بی‌تفاوت بود. مجلس، دولت و دیگر نهادهای مسئول باید به جای گرفتار شدن در منازعات فرسایشی، تمام ظرفیت خود را برای حل مشکلات مردم به کار بگیرند. تبدیل مسائل اقتصادی و اجرایی به ابزار تسویه‌حساب سیاسی، در شرایطی که تاب‌آوری جامعه به وضعیت معیشتی وابسته است، به اعتماد عمومی لطمه می‌زند.

کشور همچنین برای عبور از این شرایط به تغییر معیارهای مدیریت نیاز دارد. دوقطبی‌سازی و رقابت‌های فرسایشی باید جای خود را به عقلانیت، تخصص، کارآمدی و نگاه ملی بدهد. دانشجویان، استادان، نخبگان، کشاورزان، متخصصان و همه کسانی که توانایی مشارکت در حل مسائل کشور را دارند، باید فرصت حضور و نقش‌آفرینی پیدا کنند. اداره کشور نیازمند نیروهایی است که به جای منازعه سیاسی، توانایی ارائه راه‌حل و تعهد به منافع ایران را داشته باشند. انتخابات نیز باید فرصتی برای ارزیابی عملکرد و برنامه‌ها باشد، نه ابزاری برای تخریب و حذف رقیب. مردم باید بتوانند جریان‌هایی را که به جای حل مسائل کشور به تشدید اختلافات دامن می‌زنند، مورد ارزیابی قرار دهند و به نیروهای متخصص، معتدل و برخوردار از نگاه ملی میدان بدهند. درواقع تجربه جنگ تحمیلی دوم نشان داد ظرفیت همبستگی ملی در جامعه ایران وجود دارد. مسأله امروز این است که چگونه می‌توان این سرمایه را از شرایط اضطراری فراتر برد و به مبنایی پایدار برای اداره کشور تبدیل کرد. تحقق این هدف به اعتماد متقابل، پاسخ‌گویی مسئولان، پرهیز از منازعات جناحی و میدان دادن به نیروهای متخصص و دلسوز ایران نیاز دارد. ایران برای عبور از بحران‌ها بیش از هر چیز به عقلانیت جمعی و مقدم دانستن منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی نیازمند است.

جنگ نرم داخلی؛ تهدیدی علیه انسجام ملی و اتحاد مقدس ملت ایران



ابوالقاسم رئوفیان
دبیرکل حزب اسلامی ایران زمین

پیام مقام معظم رهبری در ارتباط با بزرگداشت هفته بسیج، ترسیم‌کننده مسیری تحول‌آفرین در نگاه و تفکر بسیجی است؛ مسیری که قول، فعل و رفتار بسیجیان، متأثر از آن نوع تفکر، می‌تواند برای کشور سرنوشت‌ساز باشد. تأکید رهبری بر پاسداشت دو کلیدواژه «انسجام اجتماعی» و «اتحاد مقدس ملت ایران» از سوی بسیجیان، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه این دو مفهوم است. در اهمیت انسجام اجتماعی همین بس که هنر این کلیدواژه آن است که با توجه به تفاوت‌ها و نگرش‌های گوناگون افراد و گروه‌ها در یک جامعه و احترام به آن‌ها، همه را با وجود این تفاوت‌ها در کنار یکدیگر گرد می‌آورد، به آنها هویت جمعی می‌بخشد و در راستای دستیابی به اهداف متعالی، هم‌نوا و هماهنگ می‌کند. رهبر معظم انقلاب، پاسداری از این انسجام اجتماعی را از جمله رسالت‌های بسیج و از صفات برجسته آن عنوان کردند؛ موضوعی که امروز به‌وضوح در جامعه ایرانی مشاهده می‌شود. کلیدواژه دیگری که رهبر معظم انقلاب در پیام خود، ذهن بسیجیان را به پاسداشت آن معطوف کردند و از اهمیت بسزایی برخوردار است، «اتحاد مقدس ملت ایران» است. رهبر معظم انقلاب، بسیجیان را مکلف کردند که در این زمینه، تمام تلاش و همت خود را به‌عنوان یک وظیفه به کار بگیرند و از این اتحاد مقدس پاسداری کنند. اجازه ندهند برخی با نوشته‌های خود و اهل بیان با صحبت‌هایشان، خدشه‌ای بر این اتحاد مقدس ملت ایران وارد کنند. قطعاً از یاد نبرده‌ایم که در شهریور سال ۱۴۰۴، امام شهید، اهل قلم، سخنرانان، محققان و صاحبان بیان را مورد خطاب قرار دادند و از آنها خواستند که بدانند چه می‌کنند. این اتحاد مقدس، این اجتماع عظیم و این پیوند پولادین دل‌ها و اراده‌های مردم نباید خدشه‌دار شود. امروز، با اینکه هنوز ده ماه از شهادت امام شهید ما نگذشته است، می‌بینیم برخی از همان مخاطبان آن روز رهبری، یعنی سخنوران، محققان، قلم‌به‌دستان و همه کسانی که با افکار عمومی سروکار دارند، یا فراموش کرده‌اند که رهبری چه تکلیف سنگینی بر دوش آنها گذاشته‌اند یا اینکه فراموش نکرده‌اند، اما به وظیفه خود عمل نمی‌کنند. با استفاده یا سوءاستفاده از تریبون‌هایی که در اختیار دارند، دل‌ها و اراده‌های مردم را نشانه می‌گیرد؛ حتی اگر خودشان قصد چنین کاری را نداشته باشند. برخی تصور می‌کنند ملت مبعوث، همان کسانی هستند که مانند آنها فکر می‌کنند و نگرش سیاسی مشابهی دارند؛ درحالی‌که این‌گونه نیست. اینها یک جناح خاص نیستند؛ اینها ملت مبعوث هستند. نماینده‌ای که می‌خواهد از تریبون مجلس با این ملت مبعوث سخن بگوید، نباید این ملت را به نفع خود مصادره کند و آنها را صرفاً اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب و وابسته به جناح و طیف خاصی بداند. همه این افراد، صرف‌نظر از گرایش‌های مختلف، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و انسجام ملی را پدید آورده‌اند. اینکه رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی فرمودند اختلافات، چه موجه و چه غیرموجه، نباید به تنازع و تفرقه تبدیل شوند، خطاب به چه کسانی بود؟ چرا برخی بار دیگر به خود اجازه می‌دهند مسائلی را مطرح کنند که موجب بروز اختلاف میان اقشار مختلف مردم با سلایق گوناگون شود و کار را به تنازع و تفرقه بکشاند؟ این کار حرام است و برخلاف مسیری است که امام شهید و رهبر رشید ما ترسیم فرموده‌اند.

برخی تخریب می‌کنند و نام آن را انتقاد می‌گذارند؛ تضعیف می‌کنند و نام آن را تنویر افکار عمومی می‌گذارند. درحالی‌که انتقاد باید سازنده باشد، نه تخریب و تضعیف. نه امام راحل در دوران زعامت خود، نه امام شهید و نه امام فعلی، هیچ‌کدام مجوز اهانت، جسارت و توهین را صادر نکرده‌اند؛ آن هم در قبال مسئولان کشور. به قول آقای علم‌الهدی، امام جمعه محترم مشهد، که در خطبه‌های همین هفته نمازجمعه به این مسأله اشاره کردند و مخاطب سخنان ایشان نیز همان کسانی بودند که از این تریبون‌ها سوءاستفاده می‌کنند، امام شهید ما در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری فرمودند: «من شما را به‌عنوان رئیس جمهوری منصوب می‌کنم.» ایشان سپس این نتیجه را مطرح کردند که وقتی حجت امام زمان (عج)، یعنی امام شهید ما که شما این‌قدر به ایشان عشق می‌ورزید، چنین فردی را به‌عنوان رئیس جمهوری منصوب می‌کنند، اهانت، فحاشی و جسارت به فردی که منصوب ایشان است، یعنی رئیس جمهوری، کار درستی نیست. بنابراین، شما نیز نباید چنین رفتاری داشته باشید. به هر حال، همان‌طور که ایشان اشاره کردند، رئیس جمهوری نیز به اندازه خود تلاش می‌کند، رفت‌وآمد دارد و فعالیت می‌کند. این اقدامات، به باور من، مصداق جنگ نرم داخلی است که دود آن به چشم ملت می‌رود و سودش به جیب دشمن می‌رسد. ازاین‌رو، اهمیت پیام رهبری درباره ضرورت پاسداشت دو کلیدواژه «انسجام ملی» و «اتحاد مقدس ملت ایران» از سوی بسیجیان را درمی‌یابیم. کمترین غفلت از این مهم، بیشترین آسیب را به مردم، نظام و کشور وارد خواهد کرد. و این چنین است که رهبر فرزانه انقلاب سفارش پاسداشت این دو کلید واژه حیاتی را به عنوان یک تکلیف بر دوش بسیجیان توانمند می‌گذارد و آنها را متوجه این مهم می‌کند بویژه در این ایامی که بیش از هر زمان ما نیازمند به حفظ این انسجام ملی و اتحاد مقدس هستیم. امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست که استکبار جهانی بویژه صهیونیسم بین‌المللی به کمتر از نابودی جمهوری اسلامی ایران رضایت نمی‌دهند و جنگ امروز ما با استکبار جهانی و بویژه با صهیونیسم بین‌المللی جنگ حیات و ممات است. آنها به کمتر از تسلیم شدن ما در برابر خواسته‌هایشان رضایت نمی‌دهند و ما نیز، طبیعتا، نباید به کمتر از پیروزی کامل در برابر جبهه باطل راضی باشیم. البته باید میان «رابطه» و «تسلیم» تفاوت قائل شد. گاهی بحث بر سر گفت و گو با آمریکا و رفع موانع و محدودیت های ایجاد شده علیه کشور در چارچوب های تعیین شده از سوی رهبری انقلاب است و گاهی مسأله اصلی این است که آمریکا می خواهد ما در برابر او تسلیم شویم. این دو موضوع کاملاً متفاوت‌اند. گفت و گو با آمریکا، به بهای صرف‌نظر کردن از اصول و ارزش‌ها، پذیرفتنی نیست. مذاکره نیز همواره بر اساس ایستادگی بر اصول و دفاع از حقوق ملت بزرگ ایران معنا پیدا می‌کند. این شرط و مبنای همیشگی جمهوری اسلامی ایران در هرگونه مذاکره‌ای بوده است. ما هرگز تسلیم را نمی‌پذیریم و از هوا و هوس‌های دشمنان پیروی نخواهیم کرد. این خط قرمز ماست: پایبندی به اصول، دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی و تبعیت از ولی‌فقیه.

اتحاد ملی؛ سلاح راهبردی ایران



محمد کاظم انبارلویی
قائم مقام دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

ما در یکی از مقاطع خطیر و حساس تاریخ ایران قرار داریم. مقطعی در دو نبرد ۱۲ و ۴۰ روزه که آمریکا و اسرائیل با وجود برخورداری از قدرت نظامی، نتوانستند به اهداف خود دست یابند اما جنگی که امروز جریان دارد، لزوماً جنگ موشک‌ها، پهپادها، بمب‌ها و هواپیماها نیست. در کنار جنگ سخت، جنگی پنهان و پیچیده نیز در جریان است که از آن با عنوان جنگ شناختی و جنگ روانی یاد می‌شود. جنگی که هدف اصلی آن، تضعیف اتحاد، انسجام و اعتماد عمومی و تبدیل جامعه متحد به جامعه‌ای گرفتار اختلاف و تقابل است.

در جنگ شناختی، به‌جای بمب و موشک، کلمات، اخبار، روایت‌ها و پیام‌ها به ابزار حمله تبدیل می‌شوند. هدف آن است که مردم، به‌جای ایستادن در کنار یکدیگر در برابر دشمن خارجی، درگیر اختلافات داخلی شوند و انرژی جامعه از دفاع و پیشرفت به سمت نزاع و بی‌اعتمادی سوق پیدا کند.

از همین منظر است که تأکید امامین انقلاب و امام شهید ما بر اتحاد ملی، صرفاً یک توصیه اخلاقی یا سیاسی نیست، بلکه تأکیدی راهبردی بر یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با جنگ شناختی دشمن است. بویژه توصیه اخیر رهبر انقلاب در پیام به مناسبت هفته بسیج و توصیه ایشان به تعهد به پاسداشت انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس ملت ایران، به‌عنوان یکی از صفات مشترک همه بسیجیان، یادآور همین ضرورت راهبردی است؛ ضرورتی که در شرایط کنونی و با توجه به تأثیر شگرف همبستگی ملی بر ناکامی محاسبات دشمن در عرصه‌های نظامی، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. ابزاری که بدون آن، حتی قدرت نظامی نیز نمی‌تواند ضامن حفظ ثبات و امنیت ملی باشد.

در سند جنگ شناختی ناتو، که اخیراً از آن رونمایی شده، مجموعه‌ای از راهبردها برای اثرگذاری بر افکار عمومی و بی‌ثبات‌سازی جوامع هدف مطرح شده است. یکی از اهداف این راهبردها آن است که جامعه به جای مقابله با دشمن، درگیر نوعی خودویرانگری و تقابل درونی شود. حمله به سیاست‌های عمومی کشور، بی‌ثبات کردن نهادهای اجتماعی، تضعیف اعتبار رهبران، ایجاد احساس نارضایتی و بی‌عدالتی و شکل دادن به کمپین‌های اختلاف‌افکن، از جمله محورهایی است که در این چارچوب دنبال می‌شود. در چنین رویکردی، تلاش می‌شود حتی افراد راضی از وضعیت موجود نیز با تحریک احساسات و القای نارضایتی، به سمت تقابل سوق داده شوند و اختلافات اجتماعی و سیاسی به شکاف‌هایی عمیق و آشتی‌ناپذیر تبدیل شوند.

شبکه‌های اجتماعی نیز در این راهبرد جایگاه ویژه‌ای دارند. مسأله داشتن تعداد زیادی دنبال‌کننده نیست، بلکه ایجاد شبکه‌هایی است که در آن، پیروان به جای برخورداری از قدرت تحلیل مستقل، به پذیرش بی‌چون‌وچرای روایت یک فرد یا جریان عادت کنند. در کنار این مسأله، تلاش می‌شود جریان‌ها و چهره‌هایی که دعوت به وحدت، همگرایی و تفاهم می‌کنند، به حاشیه رانده شوند و دو قطبی‌های سیاسی و اجتماعی به خصومت‌های پایدار تبدیل شوند. حتی تلاش برای آشتی و گفت‌وگو نیز باید در این الگو بی‌اثر یا منزوی شود تا امکان شکل‌گیری تفاهم و بازسازی انسجام اجتماعی از میان برود.

در همین چارچوب، رقابت‌های سیاسی و اجتماعی، به جای آنکه زمینه رشد و اصلاح را فراهم کنند، به دشمنی‌های فرساینده تبدیل می‌شوند. تکثر و اختلاف باید به گونه‌ای مدیریت شود که گروه‌های مختلف نتوانند حول اهداف مشترک حرکت کنند؛ اقدامات دولت برای حل مشکلات مردم تخریب شود؛ آینده کشور ناامیدکننده جلوه داده شود و اعتبار منابع خبری و امکان صحت‌سنجی اطلاعات تضعیف شود. تقویت جریان‌های رادیکال و منزوی کردن کسانی که دعوت به عقلانیت و اعتدال می‌کنند نیز بخشی از همین الگوست. در نهایت، هدف فقط ایجاد اختلاف نیست، بلکه متوقف کردن چرخ تولید کشور، چه تولید اقتصادی و چه تولید فکری، و مختل کردن ظرفیت جامعه برای حل مسائل و حرکت رو به جلوست.

از این منظر، قدرت دشمن تنها در عملیات نظامی، ترور فرماندهان یا دانشمندان و حملات فیزیکی خلاصه نمی‌شود. جنگ شناختی، میدان اصلی دیگری است که در آن، اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و قدرت تحلیل مردم هدف قرار می‌گیرد. در برابر چنین جنگی، آنچه امام شهید ما بر آن تأکید داشت، بعثت مردمی و حضور مردم در میدان بود. حضور مردم، طی ماه‌های گذشته توانسته است بخشی از تلاش‌ها برای تضعیف اتحاد ملی را خنثی کند؛ حضوری که پیام آن ایستادگی، همبستگی و مقابله با دشمن خارجی بوده است. در کنار پاسخ نیروهای مسلح در عرصه جنگ سخت، این حضور اجتماعی نیز به یکی از مؤلفه‌های مهم مقاومت در برابر جنگ روانی تبدیل شده است.

البته حفظ انسجام ملی به معنای نادیده گرفتن مشکلات، تعطیل کردن نقد یا چشم‌پوشی از ضعف‌های دولت و مسئولان نیست. نقد منصفانه، هوشمندانه و اصلاح‌گرانه برای حل مشکلات کشور ضروری است. آنچه باید از آن پرهیز کرد، تبدیل نقد به تخریب، انتقام‌جویی سیاسی و تقابل‌های فرساینده‌ای است که بدون توجه به شرایط پیچیده کشور، زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم می‌کند. باید میان منتقدی که برای اصلاح امور سخن می‌گوید و جریانی که آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر بی‌ثبات‌سازی حرکت می‌کند، تفاوت قائل شد. همچنین، عناصر وابسته و حقوق‌بگیر نهادهای خارجی که در اقدامات تخریبی و امنیتی نقش دارند، موضوعی جداگانه‌اند و نباید رفتار آنان با نقد سیاسی و اجتماعی خلط شود.

امروز، آنچه در برابر راهبردهای بی‌ثبات‌ساز دشمن اهمیت دارد، حفظ اعتماد عمومی، حمایت از ساختارهای مسئول، تقویت قدرت تحلیل جامعه و جلوگیری از تبدیل اختلافات به دشمنی‌های آشتی‌ناپذیر است. حضور مردم، آمادگی نیروهای مسلح و استمرار فعالیت نهادهای کشور، در کنار پذیرش نقد و تلاش برای رفع مشکلات، می‌تواند زمینه عبور از این مقطع حساس را فراهم کند. مقابله با جنگ شناختی، بیش از هر چیز، به جامعه‌ای نیاز دارد که با آگاهی از مشکلات، گرفتار روایت‌های تفرقه‌افکن نشود، قدرت تشخیص و تحلیل خود را حفظ کند و اجازه ندهد اختلافات داخلی، انسجام و توان ملی را فرسوده کند.

مأموریت بسیج؛ فراگیرکردن هسته سخت



احسان صالحی
دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

تعبیر «هسته سخت» در کشور ما غالباً به جمعیت وفادار به ارزش‌های ملی و انقلابی اطلاق می‌شود که حاضر به فداکاری در برابر تهاجمات بیگانه و همچنین توطئه‌های داخلی است. این تعبیر در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی کشور پرکاربردتر شده است، شاید از آن جهت که کشور با دوره تناوب کمتری از گذشته با بحران‌ها و اغتشاشات داخلی و همچنین دو جنگ و تجاوز سنگین خارجی مواجه شده که به طور طبیعی در چنین شرایطی، توجه به جمعیت وفادار برای غلبه بر بحران‌ها افزایش می‌یابد.

در قبال مسأله هسته سخت، دو رویکرد می‌توان داشت: رویکرد اول، نگاه حداقلی و امنیتی به مسأله است؛ در این نگاه، صرف وجود یک جمعیت وفادار ولو اقلیت، باعث توانایی در حفظ بقا و نظم موجود دانسته و به آن بسنده می‌شود. در مقابل ساخت سیاسی نیز اهتمام خود را به جلب رضایت و مشارکت هسته سخت قرار می‌دهد. رویکرد دوم، نگاه حداکثری و اجتماعی به مسأله است. در چارچوب این نگاه، نظام سیاسی می‌کوشد با توسعه چتر گفتمانی و هویتی خود، جمعیت وفادارانش را به صورت مستمر گسترش دهد و برای علائق و گرایش‌های مختلف ذیل مسأله هویتی، تعریف نقش و مشارکت کند. راهبرد «جذب حداکثری و دفع حداقلی» که رهبر شهید در بحبوحه حوادث سال ۱۳۸۸ مطرح کردند و یا تأکیدات مکرر ایشان به مشارکت مردم در عرصه‌های حیاتی همچون انتخابات با تعابیری همچون اینکه «حتی اگر جمهوری اسلامی را قبول ندارید اما ایران را قبول دارید در انتخابات شرکت کنید» نشان می‌دهد سیاست نظام مبتنی بر رویکرد دوم و توسعه هسته سخت و وفاداران به ایران و انقلاب اسلامی بوده است.

در رویکرد اول، اصل بر تغلیظ مرزبندی‌های داخلی است و نه‌تنها به دایره وفاداران افزوده نمی‌شود بلکه به هر مناسبتی، جمعی از افراد درون دایره با اتهام کمبود/ نبود وفاداری مشمول خالص‌سازی و اخراج از هسته سخت قرار می‌گیرند. اما در رویکرد دوم آنچنان که گفته شد، اصل بر توسعه هسته سخت و دایره وفاداران با محوریت‌بخشی به امر ملی است. به خاطر دارم در دیدار دانشجویی سال ۱۳۸۹ با رهبر شهید که هنوز تب و تاب حوادث سال ۸۸ بر فضای کشور سنگینی می‌کرد، وقتی یکی از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در اظهارات خود به سمت محدودسازی دایره طرفداران انقلاب رفت، امام شهید از محدودسازی و تنگ کردن دایره مؤمنین به انقلاب نهی کردند و فرمودند ایمان مراتب مختلفی دارد، هنر شما باید این باشد که از افراد ضعیف‌الایمان به این دایره اضافه کنید نه برعکس. دو رویکرد فوق همچنان محل نزاع است؛ ما همچنان با افرادی در دو سوی جریان‌های سیاسی مواجهیم که رویکرد آنها به صحنه سیاست و مسائل اصلی کشور، دچار افراط یا تفریط است؛ از یک‌سو، افراد و جریان‌هایی که وفاداری به ایران و انقلاب را نکوهش می‌کنند و با القای ناتوانی در مقاومت مقابل زورگویی و قلدری دشمن، برای کشور نسخه تسلیم و بوسه زدن به پنجه گرگ می‌پیچند؛ در قطب دیگر هم عده‌ای قرار دارند که گویا خود را موظف می‌دانند روزانه مسئولان کشور را به خیانت و کودتا و اهمال در انجام وظایف متهم و مردم را دلسرد و ناامید کنند.

در مقابل این دو جریان افراطی و تفریطی، رویکرد سوم که مورد تأکید امام شهید و رهبر معظم انقلاب بوده و هست، اتحاد مقدس حول امر ملی، صرف‌نظر کردن از تفاوت‌ها و اختلافات حتی موجه و حضور فعالانه در صحنه است. اساس این رویکرد، هر چه ملی‌تر کردن صحنه مقابله با دشمن و تاب‌آوری تا پیروزی نهایی است.

در پیام اخیر رهبر انقلاب به مناسبت هفته بسیج، دو مفهوم مهم قرار دارد که نشان‌دهنده رویکرد اجتماعی ایشان از موضع میانه و امر ملی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در فرازی از پیام می‌گویند، بسیج تشکیل شد تا هسته‌ای سخت از طرفداران حق و عدالت باشد و در فرازی دیگر، تحقق شعار «هر ایرانی یک بسیجی» را مطرح می‌کنند. این دو گزاره، یک تعریف و مأموریت روشن برای بسیج ایجاد می‌کند: هسته سخت نظام، بسیج است و بسیج باید به شکلی حول گفتمان «حق و عدالت» کارسازی کند که هر ایرانی بتواند برای خود در این هسته سخت جایابی و نقش‌آفرینی کند. تحقق این دستورکار طبعاً نیاز به وسعت نظر، رواداری، ترجیح منافع و امر ملی بر هر منفعت و امری دیگر و به حاشیه راندن عناصری خودحق‌پندار دارد که هنری جز خالص‌سازی و تولید نزاع و بحران داخلی ندارند. تولد و تحول جدید بسیج که در پیام اخیر رهبری بر آن تأکید شده است، در گرو بازآرایی مأموریتی و نهادی حول توسعه هسته سخت نظام است. در این رویکرد، هسته سخت از قاب اقلیت و امنیتی خارج شود و با نگاه حداکثری و اجتماعی، هر کسی که دلش برای پیشرفت ایران و انقلاب می‌تپد و با ظلم و تجاوز به کشور فاصله و مرزبندی صریح دارد، بسیجی و جزئی از هسته سخت ایران است و سازمان بسیج باید حول گفتمان حق و عدالت برای توسعه این هسته سخت متحول و بازآرایی شود.